



The University of
Tehran Press

Journal of Foreign Language Research

Online ISSN: 2588-7521

Journal Homepage: <https://jflr.ut.ac.ir/>



Investigation of the Translator's Approach in Rendering Intertextuality: A Case Study of the Novel The Blind Owl

Ahmad Iranmanesh Narjes Asudehgan

1. Department of English Language, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. Email: ai.iranmanesh@iau.ac.ir

2. Department of English Language, Qo.C., Islamic Azad University, Qom, Iran. Email: narjes.asudegan@yahoo.com

Article Info

Research Article

Article history:

Received: 14 September 2025

Received in revised form: 30
January 2026

Accepted: 02 February 2026

Available online: 13 April
2026

Keywords:

*Domestication,
Foreignization, Intertextuality,
Literary translation,
Translation strategies*

ABSTRACT

Translation of literary texts could be subject to numerous challenges deriving from intertextuality through which the blending of various texts can severely change the structure of the borrowed text. Such conditions can make it very difficult or even impossible for a translator, especially a non-native one, to identify and convey intertextual elements. Therefore, the present study aims to identify and categorize the instances of intertextuality in *The Blind Owl*, using a descriptive-analytical method, and compare them with the corresponding elements in its English translation to determine the translation strategies employed by the translator to assess his overall approach (domestication or foreignization). To this end, first, the intertextual elements in the Persian version of the mentioned work were extracted, and then the strategies used in its translation were identified. Based on the findings, the strategies used by the translator in the English translation of the novel, in descending order of frequency, include: minimum change (43%), replacement by a performed TL item (23%), combination of strategies (18%), reduction to sense (13%), and omission (3%). In addition, the findings show that the translator's predominant approach in rendering intertextual elements was domestication. The results also indicate that the extent of cultural differences between the two languages, the level of the translator's background knowledge, and his expectations of the audience play a significant role in the choice of translation strategies.

Cite this article: Iranmanesh, A. and Asudehgan, N. (2026). Investigation of the Translator's Approach in Rendering Intertextuality: A Case Study of the Novel *The Blind Owl*, *Journal of Foreign Language Research*, 16(1), 43-59. <http://doi.org/10.22059/jflr.2026.400987.1244>

© Author(s) retain the copyright.

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jflr.2026.400987.1244>





پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای خارجی

شاپا الکترونیکی: ۷۵۲۱-۲۵۸۸

Journal Homepage: <https://jflr.ut.ac.ir/>



انتشارات دانشگاه تهران

بررسی رویکرد مترجم در ترجمه بینامتنیت: مطالعه موردی رمان بوف کور

احمد ایرانمنش^۱، نرجس آسوده گان^۲

۱. گروه زبان انگلیسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: ai.iranmanesh@iau.ac.ir

۲. گروه زبان انگلیسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: narjes.asudegan@yahoo.com

چکیده

نظر به وابستگی و پیوند تنگاتنگ یک متن با متون دیگر در پرتو نظریه بینامتنیت، ممکن است ترجمه یک اثر ادبی مترجم را با چالش‌های متعددی مواجه سازد. چراکه در چهارچوب بینامتنیت و به واسطه آمیختگی متون مختلف، گاهی ساختار متن برگرفته به گونه‌ای تغییر می‌یابد که در نهایت تنها محتوای متن اصلی باقی می‌ماند. از این جهت، چنین شرایطی می‌تواند امکان تشخیص و انتقال عناصر بینامتنی را برای مترجم، به ویژه مترجم غیربومی، بسیار دشوار یا حتی غیرممکن سازد. از این رو، پژوهش حاضر بر آن است تا با به کارگیری روش توصیفی-تحلیلی، عناصر بینامتنی موجود در رمان بوف کور را شناسایی و دسته‌بندی نموده و با مقایسه عناصر متناظر در ترجمه انگلیسی این اثر، راهبردهای مورد استفاده مترجم و در نتیجه رویکرد وی (بومی‌سازی یا بیگانه‌سازی) را مشخص سازد. بدین منظور، ابتدا عناصر بینامتنی موجود در نسخه فارسی اثر نامبرده استخراج شده و سپس، راهبردهای مورد استفاده در ترجمه آن مشخص گردیده است. بر پایه یافته‌های پژوهش، راهبردهای مورد استفاده مترجم در ترجمه انگلیسی اثر یادشده به ترتیب فراوانی رخداد شامل تغییر حداقل (۴۳ درصد)، جایگزینی (۲۳ درصد)، ترکیب راهبردها (۱۸ درصد)، تقلیل به معنی (۱۳ درصد) و حذف (۳ درصد) می‌باشد. افزون بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد رویکرد اصلی مترجم در انتقال عناصر بینامتنی، بومی‌سازی بوده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در ترجمه آثار ادبی، میزان تفاوت‌های فرهنگی میان دو زبان، میزان دانش پیش‌زمینه‌ای مترجم و انتظارات او از مخاطب خود، نقش بسزایی در انتخاب راهبردهای ترجمه ایفا می‌کنند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۲۴

کلید واژگان:

بومی‌سازی،

بیگانه‌سازی،

بینامتنیت،

ترجمه ادبی،

راهبردهای ترجمه.

استاد: ایرانمنش، احمد و آسوده گان، نرجس. (۱۴۰۴). بررسی رویکرد مترجم در ترجمه بینامتنیت: مطالعه موردی رمان بوف کور. پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای

<https://doi.org/10.22059/jflr.2026.400987.1244>

خارجی، ۱۶ (۱)، ۴۳-۵۹.



© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱- مقدمه

اگرچه، خلاقیت و نوآوری از عناصر اصلی یک اثر ادبی محسوب می‌شوند، حتی آثار خلاقانه نیز همواره به صورت آشکار یا پنهان تحت تأثیر آثار پیش از خود قرار می‌گیرند. بدین معنا که، هر اثر باتکیه بر میراث ادبی و متون پیشین، معنای خود را در ارتباط و تعامل با متون دیگر شکل می‌دهد. این موضوع مبین آن است که متون به خودی خود معنای مستقلی نداشته و در عوض در شبکه‌ای از روابط متنی قرار دارند که نظریه‌پردازان معاصر آن را «بینامتنیت» می‌نامند. در این رابطه، کریستوا^۱ (۱۹۶۹) معتقد است یک متن همانند موزاییک‌های به هم پیوسته‌ای است که از کنار هم قرار گرفتن نقل‌قول‌ها شکل گرفته و معنای کلی آن در سایه ارتباط با متون دیگر هویدا می‌شود (کالیپکی^۲، ۲۰۱۸). همچنین، به بیان دیوگراند و درسلر^۳ (۱۹۸۱: ۱۰)، بینامتنیت به عواملی مربوط می‌شود که درک یک متن را به آگاهی از یک یا چند متن قبلی وابسته می‌کند. از این رو، ماهیت معنایی هر اثر، از طریق تعامل پویا با متون پیشین و معاصر آشکار می‌گردد.

از سویی، درک روابط بینامتنی تا حد زیادی وابسته به مخاطب است؛ زیرا، هر متن در بردارنده ارزش‌ها و تجربیات گذشته جامعه خود می‌باشد که در قالب نشانه‌های مختلف آن را به اشتراک می‌گذارد. در این رابطه، کریستوا در کتاب *متن رمان (Novel text)* اشاره می‌کند هر متن حاوی سنت‌های فرهنگی خاصی است و به نوعی، کتابی در دل کتاب دیگر جای گرفته است (لانگ و یو^۴، ۲۰۲۰: ۱۱۰۸). بنابراین، آشنایی با باورها، آداب و رسوم، و سنت‌های یک فرهنگ از جمله الزامات درک روابط بینامتنی بوده و بدون آگاهی و درک آن از سوی خواننده، ممکن است متن بی‌معنی به نظر برسد. بر این اساس، هر خواننده به هنگام خوانش یک متن می‌باید به طور هم‌زمان چندین عامل را در نظر گرفته و متن را در شبکه‌ای از متون مرتبط تفسیر کند؛ چراکه گاهی ساختار متن برگرفته به گونه‌ای تغییر می‌یابد که تنها محتوای متن اصلی باقی مانده و آمیختگی متون به جایی می‌رسد که خوانش متن به شکلی مستقل درک معنا و مفهوم آن را دشوار خواهد نمود.

اگرچه، در فرایند ترجمه یک اثر ادبی این مترجم است که به عنوان رابط میان دو جهان زبانی و در جهت بازسازی ایده‌های پیشین (رضوان‌طلب و کردیزدی، ۱۴۰۲)، اقدام به تفسیر متن و دریافت عناصر بینامتنی نموده و هم‌زمان سه نقش خواننده متن اصلی، تفسیرکننده و نویسنده متن تولیدشده (ترجمه) را بر عهده دارد (ژو^۵، ۲۰۰۴). همین امر موجب نمایانگر شدن بنیان‌های فکری مترجم در ساختار اثر جدید می‌شود (جلالی، ۱۳۹۴). بنابراین، فرآیند شناسایی و رمزگشایی ارجاعات بینامتنی، به دانش پیشین وی از جهان وابسته خواهد بود و با توجه به متفاوت بودن دانش پیشین هر مترجم، ممکن است مترجم‌های مختلف درک متفاوتی از عناصر بینامتنی داشته و ترجمه متفاوتی نسبت به دیگری ارائه دهند و یا حتی قادر به شناسایی بینامتنیت نباشند. لذا، آگاهی و درک عمیق مترجم از عناصر بینامتنی تا حد زیادی نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت این فرایند خواهد داشت و در عین حال، وی را با چالش‌های متعددی مواجه خواهد ساخت. چراکه مترجم باید آن‌ها را به گونه‌ای ترجمه کند که ضمن حفظ معنی در متن مقصد، تاحدامکان برای خواننده قابل‌درک باشند (صالحی^۶، ۲۰۱۳). هرچند، ونوتی^۷ (۲۰۰۹: ۱۵۸) معتقد است مترجم، درحالی‌که تلاش می‌کند از طریق ایجاد نوعی رابطه بینامتنی میان متون مبدأ و مقصد، معادل‌سازی کند، با خطر افزایش شکاف میان اثر اصلی و ترجمه نیز روبه‌رو است. از این رو، ترجمه ادبی مستلزم خلاقیت مترجم و همچنین به‌کارگیری دقیق راهبردهای ترجمه می‌باشد.

^۱ Kristeva

^۲ Kalpci

^۳ De Beaugrande & Dressler

^۴ Long & Yu

^۵ Zhu

^۶ Salehi

^۷ Venuti

نظر به وابستگی و پیوند تنگاتنگ یک متن با متون دیگر در پرتو نظریه بینامتنیت، هدف پژوهش حاضر، شناسایی و دسته‌بندی عناصر بینامتنی موجود در رمان بوف کور براساس نظریه ژنت (۱۹۹۷) و مقایسه آن با عناصر متناظر در ترجمه انگلیسی این اثر به‌منظور شناسایی شیوه‌های برگردان مورد استفاده مترجم براساس مدل لپی‌هالم (۱۹۹۷) و در نهایت تشخیص رویکرد وی (بومی‌سازی یا بیگانه‌سازی) در ترجمه می‌باشد. به این منظور، رمان بوف کور اثر صادق هدایت (۱۳۱۵) و ترجمه انگلیسی آن مورد بررسی قرار گرفت تا رویکرد مترجم به هنگام ترجمه عناصر بینامتنی مشخص گردد. از این‌رو، پژوهش پیش رو در نظر دارد با بررسی سازوکارهای برگردان بینامتنیت در ترجمه بوف کور به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: ۱) براساس نظریه ژنت، موارد بینامتنیت در بوف کور از چه نوعی هستند و هریک دارای چه تناوبی می‌باشند؟ ۲) مطابق مدل لپی‌هالم، مترجم از چه راهبردهایی برای ترجمه بینامتنیت بهره‌جسته و هر یک دارای چه بسامدی است؟ ۳) براساس دوگانه بومی‌سازی و بیگانه‌سازی ونوتی، رویکرد مد نظر مترجم در مواجهه با عناصر بینامتنی کدام است؟

۲. پیشینه پژوهش

پس از آنکه کریستوا در سال ۱۹۶۶، برای نخستین بار واژه «بینامتنیت» را در مقاله‌ای تحت عنوان کلمه، گفتگو، رمان^۱ مطرح کرد، پایه‌های اصلی بینامتنیت به‌عنوان بخش مهمی از نظریه ادبی بنا نهاده شد. به عبارتی، کریستوا با ترکیب نشانه‌شناسی سوسور^۲ و مفهوم مکالمه‌گرایی باختین^۳، یعنی حس تعامل همه‌جانبه متون ادبی و زمینه‌های آن، به تحکیم پایه‌های اصلی بینامتنیت کمک کرد (ماتوشکوا^۴، ۲۰۲۲). همچنین، بعد از کریستوا، بارت^۵ نیز در بسیاری از نوشته‌های خود به موضوع بینامتنیت پرداخت. وی با انتقاد از رویکرد منتقدان سنتی که همانند بازرس در پی کشف روابط یک اثر با آثار دیگر هستند، میان بینامتنیت و نقد سنتی تمایز قائل شد (یوسف فام و طاهری، ۱۳۹۷). پس از بارت نیز، نظریه‌پردازان نسل دوم بینامتنیت همچون هارولد بلوم^۶، مایکل ریفاتر^۷ و ژرار ژنت^۸ کوشیدند تا از بینامتنیت به‌عنوان ابزاری برای بررسی روابط میان متون استفاده کرده و روشی برای تحلیل متون ارائه دهند (یوسف فام و طاهری، ۱۳۹۷). در حقیقت، آن‌ها با کنار نهادن مفهوم محدودتر بینامتنیت، رویکرد جامع‌تری اتخاذ کرده و به این ترتیب، تعریف گسترده‌تری از روابط بینامتنی ارائه دادند.

اگرچه، با تقسیم نظریه‌پردازان نسل دوم به دو گروه، هر گروه دیدگاه متفاوتی را ارائه کرد. براین‌اساس، گروه اول معتقد بود که هر متن از ترکیب متون دیگر شکل گرفته و تلاش برای یافتن اصل آن بی‌فایده است؛ در مقابل، گروه دوم بر این باور بود که باید نشانه‌ها و عناصر متون دیگر را در متن جدید شناسایی کرد (ژنت، ۱۹۸۲، ترجمه نیومن و دوینسکی، ۱۹۹۷). ژنت که در گروه دوم قرار داشت، در ادامه بحث بینامتنیت کریستوا، در کتاب الواح بازنوشتی^۹ نظریه جدیدی به نام «ترامتنیت»^{۱۰} را مطرح کرد. این نظریه که در مقایسه با نظریه کریستوا از جامعیت

^۱Word, dialogue, and novel

^۲Saussure's theory of sign

^۳Bakhtin's dialogism

^۴Matoušková

^۵Barthes

^۶Harold Bloom

^۷Michael Riffaterre

^۸Gérard Genette

^۹Palimpsests

^{۱۰}transtextuality

بیشتری برخوردار بود، دارای پنج زیر گروه بینامتنیت^۱، پیرامتنیت^۲، فرامتنیت^۳، سرمتنیت^۴ و بیش‌متنیت^۵ می‌باشد. از میان این دسته‌بندی پنج‌گانه، بینامتنیت و بیش‌متنیت بیشتر از سایرین مورد توجه پژوهشگران و منتقدان ادبی و هنری قرار گرفت؛ چراکه این دو به میزان قابل‌توجه‌تری با روابط میان‌متنی در حوزه ادبیات و هنر منطبق می‌شوند (نامور مطلق، ۱۳۹۵). بدین روی، امروزه بینامتنیت در عرصه نقد ادبی، جایگاه مستقلی پیدا کرده و به چگونگی و چرایی تأثیرپذیری متون از یکدیگر می‌پردازد. در حقیقت، نتایج حاصل از مطالعات بینامتنی، از یک سو، در شناسایی فضاهای فکری، فرهنگی و ادبی متون اهمیت داشته و از سوی دیگر، با به‌کارگیری نظریه‌های نوین در بررسی و خوانش متون موجب شناسایی دقیق‌تر محدوده تحقیق و افزایش غنای علمی آثار می‌شوند (زمانی و صاحبی، ۱۳۹۹). در ادامه، به‌مرور برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه می‌پردازیم.

یوسف فام و طاهری (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان قصه‌های فارسی: ریشه‌یابی داستان‌های هزار و یک روز، به معرفی مجموعه داستان‌های هزارویک روز پرداخته و با به‌کارگیری رویکرد بینامتنیت ژنت، روابط بینامتنی این کتاب با قصه‌های عامیانه ایرانی را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شش قصه از مجموعه داستان‌های هزار و یک روز دارای روابط بینامتنی از نوع نقل قول غیرصریح بوده و از نظر روایت و عناصر داستانی، ارتباطی بیش‌متنی با قصه‌های عامیانه ایرانی دارند. همچنین، دوازده قصه دیگر در زمینه سنت قصه‌گویی، چینش و بسط بن‌مایه‌ها، از الگوی قصه‌های عامیانه ایرانی بهره برده و با متن قصه‌های عامیانه ایرانی رابطه بیش‌متنی دارند.

کرمی و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای، با تکیه بر نظریه بینامتنیت ژنت، به بررسی یکی از داستان‌های کوتاه سیمین دانشور به نام مار و مرد پرداختند. براساس نتایج حاصله، این داستان شامل انواع متفاوتی از گونه‌های بینامتنیت، از جمله ارجاع (بینامؤلفی)، نقل‌قول (اشعار و ضرب‌المثل) و تلمیح (فرهنگ عامه و اساطیر) می‌باشد.

جعفری و اله‌دادی دستجردی (۱۴۰۰) با به‌کارگیری نظریه ژنت به بررسی رمان عقرب‌های کشتی بمبک و شناسایی گونه‌های بینامتنیت در آن پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این اثر با رمان‌های تام‌سایر و سرگذشت هکلبری فین روابط بینامتنی دارد. همچنین، نویسنده با بهره‌گیری عناصری از قبیل فرهنگ عامه، ضرب‌المثل‌ها، کنایات و ترانه‌های رایج زمان خود، موجب ایجاد روابط بینامتنیت در این اثر شده است.

حسام‌پور و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی داستان در باغ بزرگ باران می‌بارید، دریافتند که براساس نظریه ژنت، میان این اثر و آثار دیگر این نویسنده بینامتنیت ضمنی وجود دارد. در عین حال، باتوجه به ضمنی بودن بینامتنیت، این ارجاعات کاملاً پنهان و مخفیانه صورت گرفته و تنها دوستداران و خوانندگان آثار این نویسنده قادر به درک آن هستند.

از آنجاکه، طبق رویکرد بینامتنیت، تمامی آثار ادبی دارای ارجاعات بینامتنی هستند، ترجمه آن‌ها به زبان دیگر اغلب با چالش‌هایی همراه است؛ زیرا، ایجاد هماهنگی میان ترجمه و متن اصلی به‌منظور حفظ معنای متن اصلی کار دشواری است. در این رابطه، برخی از صاحب‌نظران معتقدند که انتخاب راهبردهای برگردان بینامتنیت اساساً نتیجه ارتباط میان ذهنیت، متن و فرهنگ مترجم است (ژو، ۲۰۲۳). بنابراین، مترجم به‌عنوان رابطی میان نویسنده متن اصلی و خواننده، باید به بررسی و مطالعه مجموعه‌ای از متون پیشین بپردازد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با قصد نویسنده، موضوع متن و مفهوم آن ارتباط دارد (لانگ و یو، ۲۰۲۰). به‌عبارت‌دیگر، نگرش و ذهنیت مترجم نقش

^۱intertextuality

^۲paratextuality

^۳metatextuality

^۴architextuality

^۵hypertextuality

^۶Zhou

بسیار تعیین کننده‌ای در موفقیت ترجمه داشته و رویکردهای متفاوت وی در ترجمه بینامتنیت یکی از چالش‌های مهم ترجمه به شمار می‌آید.

در همین خصوص، پژوهش **احمدگلی و منبری (۱۳۹۰)** که به بررسی شانزده ترجمه فارسی از چهار شعر تی. اس. الیوت براساس مدل ترجمه لپی‌هالم پرداخته است، کارآمدی راهبردهای ترجمه عناصر بینامتنی میان مترجمان ایرانی را در طی چهار دهه مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این پژوهش شواهد ملموسی از شکاف عمیق میان دانش نظری و عملکرد عملی مترجمان ایرانی در مواجهه با عناصر بینامتنی ارائه می‌دهد؛ چراکه با وجود آگاهی نظری مترجمان نسبت به انتقال ارجاعات بینامتنی برای مخاطب، نتایج تحقیق به شکلی معنادار، بر کاربرد پربسامد راهبردهای تغییر حداقل و توضیح صریح تأکید دارد. اگرچه، نتایج نشان می‌دهد نگرش مترجمان ایرانی نسبت به ترجمه تلمیحات و بینامتنیت در گذر زمان تغییر کرده و به سمت راهکارهای خواننده‌محور و متمایل به زبان مقصد گرایش یافته است.

نیک‌نسب و پرتوی‌راد^۱ (۲۰۲۱) با بررسی ترجمه اشعار هفت‌گنبد نظامی با استفاده از مدل لپی‌هالم دریافتند که غلبه راهکار ترجمه تحت‌اللفظی در هر دو نسخه مورد بررسی، به تضعیف کارکرد اصلی بینامتنیت منجر شده و عمق معنایی و ابعاد فرهنگی متن اصلی را در زبان مقصد تضعیف کرده است. این امر سبب شده تا ظرایف بینامتنی اثر در زبان مقصد محو شود و ترجمه‌ها در تأثیرگذاری بر مخاطب انگلیسی‌زبان چندان موفق نباشند. با این حال، پژوهش یادشده بیشتر بر توصیف شیوه ترجمه تمرکز دارد و نسبت به تحلیل چرایی این رویکرد، از جمله عوامل زبانی، فرهنگی یا نظری کمتر تأمل کرده است.

میرزایی و شیخی‌قلات (۱۳۹۲) نیز، با توجه به حضور بینامتنیت در اشعار احمد مطر، به بررسی ترجمه فارسی این اشعار براساس نظریه لپی‌هالم پرداختند. یافته‌های اصلی این پژوهش، برتری نسبی راهکار توضیح صریح را در انتقال موفقیت‌آمیز عناصر بینامتنی نسبت به سایر راهکارها نشان می‌دهد. زیرا با افزودن توضیحات ضروری، دسترسی مخاطب فارسی‌زبان به ارجاعات بینامتنی موجود در متن اصلی را تسهیل می‌کند؛ اگرچه، یکی از معایب این راهکار، طولانی‌شدن مقدمه، پاورقی و یادداشت است. علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان داد جایگزینی، تغییر حداقل، رهاکردن متن به صورت ترجمه‌نشده و حذف راهکارهای چندان مناسبی به نظر نمی‌رسند؛ زیرا، با توجه به نقش اساسی بینامتنیت در اشعار احمد مطر، درک کامل اشعار او بدون شناخت و فهم عناصر بینامتنی موجود در آن‌ها امکان‌پذیر نیست. اگرچه، این پژوهش، صرفاً به درجه‌بندی کارآمدی راهبردها پرداخته و راه‌حلی مبتنی بر تعادل میان حفظ عناصر بینامتنی و روان بودن متن ارائه نمی‌دهد.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد عمده تحقیقات داخلی صورت گرفته در زمینه ترجمه بینامتنیت، بر ترجمه شعر متمرکز بوده و توجه چندان کمی به ترجمه بینامتنیت در رمان صورت نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه ژنت (۱۹۹۷) جهت شناسایی ارجاعات بینامتنی رمان *بوف کور* و مدل لپی‌هالم (۱۹۹۷) جهت تشخیص راهبردهای به کارگرفته شده در ترجمه انواع بینامتنیت در ترجمه انگلیسی این رمان، و همچنین تعیین رویکرد مترجم (بومی‌سازی یا بیگانه‌سازی)، به منظور رفع خلأ پژوهشی موجود به نگارش درآمده است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش انجام و پیکره پژوهش

پژوهش حاضر، با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی رویکرد مترجم در ترجمه عناصر بینامتنی می‌پردازد. بدین منظور، پس از شناسایی و استخراج عناصر بینامتنی موجود در رمان *بوف کور*، داده‌ها براساس نظریه ژنت

(۱۹۹۷) طبقه بندی گردید. سپس، موارد متناظر در ترجمه انگلیسی اثر مشخص شده و به منظور شناسایی راهبردهای مورد استفاده مترجم براساس مدل لپی هالم (۱۹۹۷) و در نتیجه تشخیص رویکرد وی (بومی سازی یا بیگانه سازی ونوتی) در انتقال بینامتنیت، مورد بررسی قرار گرفتند. در پایان، یافته های تحقیق به صورت جداول آماری ارائه گردیده است.

پیکره این پژوهش شامل رمان بوف کور از صادق هدایت و ترجمه انگلیسی آن به قلم دی. پی. کاستلو (D. P. Costello, 1957) است. بوف کور یکی از آثار برجسته و مهم ادبیات مدرن فارسی به شمار می آید که در سال ۱۳۱۵ هجری شمسی منتشر گردید. این اثر به طور کلی داستان مردی منزوی و اجتماع گریز را روایت می کند که به تنهایی و با ناامیدی در اتاقی کوچک، در بیرون شهر زندگی می کند و به واسطه آشنایی وی با یک زن، زندگی اش دچار تغییر و تحول می شود. علت انتخاب این رمان جهت بررسی در پژوهش حاضر، تأثیرپذیری هدایت از فرهنگ عامه، حضور تلمیحات و اشارات فراوان و همچنین، ارتباط بینامتنی این اثر با آثار نویسندگان و شاعران دیگر همچون ژان پل سارتر، ادگار آلن پو، ویرجینیا وولف، کافکا، ریلکه، و واشینگتن اروینگ می باشد. از طرف دیگر، رمان بوف کور توسط بشیری (۱۹۷۴)، نوری (۲۰۱۱) و طباطبایی (۲۰۲۲) نیز به زبان انگلیسی ترجمه شده، اما علت انتخاب ترجمه کاستلو آن است که اولاً این ترجمه به عنوان شناخته شده ترین ترجمه انگلیسی این رمان به حساب آمده و دوم اینکه غیربومی بودن مترجم، چالش برانگیز بودن برگردان عناصر بینامتنی را دو چندان می سازد.

چهارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر نظریه بینامتنیت ژنت (۱۹۹۷) مبنای شناسایی ارجاعات بینامتنی در اثر ادبی مورد نظر می باشد. براین اساس، هرگاه بخشی از یک متن در متن دیگری بازتاب یابد، رابطه بینامتنی میان آن دو برقرار است و این رابطه می تواند به سه شکل صریح و اعلام شده^۱، غیرصریح و پنهان شده^۲، و ضمنی^۳ بروز پیدا کند (نامور مطلق، ۱۳۸۶).

اولین گونه بینامتنیت ژنت، بینامتنیت صریح می باشد. در این گونه نویسنده تمام و یا بخشی از آثار نویسنده دیگری را در اثر خود می گنجاند، بدون آنکه قصد سرقت یا مخفی کاری مرجع متن را داشته باشد. به همین دلیل، حضور متنی دیگر در متن حاضر آشکار و مشخص است (نامور مطلق، ۱۳۸۶). طبق نظر ژنت، نقل قول سنتی با گیومه (با ارجاع و یا بدون ارجاع) یکی از مصادیق بینامتنیت صریح محسوب می شود (همان). اگرچه، در برخی موارد، متون نقل قول شده به شکل مکتوب وجود ندارند. باوجوداین، الزامی بر مکتوب بودن نقل قول وجود نداشته و تمامی گفته های شفاهی و نظام های دلالت گر نیز می توانند به عنوان متن در نظر گرفته شوند (آلبوغیش، ۱۳۹۵). لذا، چنان که در ادامه آمده است تمامی ابیات، عبارات، ترانه ها و بیانات شفاهی که صورت مکتوب ندارند و با گیومه داخل متن اثر مشخص شده اند نیز در دسته بندی بینامتنیت صریح قرار می گیرند.

دومین گونه بینامتنیت ژنت، بینامتنیت غیرصریح می باشد. در این گونه از بینامتنیت، نویسنده از نوشته دیگران در اثر خود بهره می برد، بدون آنکه به مرجع آن اشاره ای داشته باشد. در حقیقت، این امر به دلایل فراادبی صورت می گیرد و نویسنده سعی بر پنهان کردن ارتباط میان متن خود با متن برگرفته را دارد (آذر، ۱۳۹۵). نمونه بارز این گونه از پیوندهای بینامتنی، سرقت ادبی است که در آن بدون اجازه و ذکر منبع به استفاده از متنی پرداخته می شود (همان).

سومین گونه بینامتنیت ژنت، بینامتنیت ضمنی می باشد. در این نوع از بینامتنیت، ارتباط میان متن حاضر و متن برگرفته آشکار و واضح نیست و نویسنده نیز قصد پنهان کردن ارتباط بینامتنی را ندارد، بلکه با گنجاندن نشانه هایی ظریف، تلاش می کند تا به طور غیرمستقیم منبع الهام و مرجع اصلی کار خود را مشخص و معرفی نماید. «بنابراین، بینامتنیت ضمنی نه همانند بینامتنیت صریح

^۱Explicit/Overt

^۲Covert/Implicit

^۳Hidden/Implied

مرجع خود را اعلام می‌کند و نه همانند بینامتنیت غیرصریح سعی در پنهان‌کاری دارد» (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۹). از این‌رو، دریافت مخاطب از این نوع بینامتنیت در گرو دانش قبلی و درک عمیق او خواهد بود و فقط آن دسته از مخاطبانی که با متن مورد استفاده آشنایی دارند، متوجه بینامتنیت خواهند شد. «مهم‌ترین اشکال این نوع بینامتن، کنایات، اشارات، تلمیحات و... است» (همان). بدین ترتیب، تمامی مواردی که به آیات قرآن، احادیث، اساطیر، ضرب‌المثل‌ها و داستان‌های تاریخی و افسانه‌ای اشاره دارند، در دسته‌بندی بینامتنیت ضمنی قرار می‌گیرند. همچنین، مصادیق فرهنگ عامه از جمله مواردی که مکرراً موجب ایجاد بینامتنیت ضمنی در یک اثر می‌شوند نیز در این گروه قرار می‌گیرند.

راهبردهای ترجمه بینامتنی لپی‌هالم

در پژوهش حاضر، جهت شناسایی راهبردهای ترجمه بینامتنیت، از مدل لپی‌هالم (۱۹۹۷) بهره گرفته شد. وی برای ترجمه عناصر بینامتنی ۱۱ راهبرد ارائه داده که شامل موارد زیر می‌باشند: ترجمه استاندارد^۱، راهنمایی فراتلمیحی^۲، تغییر حداقل^۳، تمایز داخلی^۴، توضیح صریح^۵، تقلیل به معنی^۶، جایگزینی^۷، ابراز غیرقابل‌ترجمه بودن تلمیح^۸، حذف^۹، بازآفرینی^{۱۰} و رهاکردن متن بدون ترجمه^{۱۱}. علاوه بر این، راهبرد دیگری تحت عنوان «ترکیب راهبردها»^{۱۲} به عنوان برآیند راهبردها توسط سایر محققان به دسته‌بندی بالا اضافه شده است (احمدگلی و منبری، ۱۳۹۰).

ترجمه استاندارد: در این روش، مترجم با بهره‌گیری از واژگان ترجمه شده‌ای که کاربردشان در زبان مقصد عمومیت پیدا کرده، به ترجمه عناصر بینامتنی می‌پردازد. به‌طور مثال، واژه «Hijab» یکی از کلماتی است که امروزه در میان انگلیسی‌زبانان شناخته شده و مترجمان می‌توانند به کمک آن و بدون نیاز به توضیح اضافی، منظور خود را به مخاطب منتقل کنند.

راهنمایی فراتلمیحی: براین اساس، مترجم با توجه به ارزیابی خود از نیازهای خوانندگان مقصد، اطلاعاتی را به متن اضافه می‌کند که نویسنده متن اصلی آن را ضروری ندانسته است (لپی‌هالم^{۱۳}، ۱۹۹۷، ص. ۸۴). بدین ترتیب، به‌کارگیری نشانه‌های نگارشی مانند افزودن کامای معکوس، علامت سؤال، علامت نقل‌قول، حروف کج، و همچنین ارائه توضیحات اضافی، موجب افزایش شفافیت و وضوح ترجمه خواهد شد (احمدگلی و منبری، ۱۳۹۰؛ میرزایی و شیخی‌قلات، ۱۳۹۲). به‌طور مثال، از آنجایی که مخاطب انگلیسی‌زبان با مفهوم «آب تربت» ناآشناست، مترجم اطلاعات بیشتری در این زمینه در داخل کروشه و با حروف کج در داخل متن اضافه می‌کند.

تغییر حداقل: در این روش، مترجم بدون در نظر گرفتن بینامتنیت به‌کاررفته، به ترجمه پرداخته و هیچ تغییر صریحی جهت انتقال معنای ضمنی انجام نمی‌دهد (لپی‌هالم، ۱۹۹۷: ۸۴). در نهایت، ترجمه‌ای نزدیک به متن مبدأ ارائه می‌گردد که جنبه بینامتنی آن نادیده گرفته شده و صرفاً به انتقال معنای سطحی آن بسنده شده است.

^{۱۸} standard translation

^{۱۹} extra-allusive guidance

^{۲۰} minimum change

^{۲۱} internal marking

^{۲۲} explicit explanation

^{۲۳} reduction to sense

^{۲۴} replacement by a performed TL item

^{۲۵} state the allusion is beyond translation

^{۲۶} omission

^{۲۷} re-creation

^{۲۸} left untranslated

^{۲۹} combination of strategies

^{۳۰} Leppihalme

(احمدگلی و منبری، ۱۳۹۰). این وفاداری بیش از حد به ساختار مبدأ، مانند ترجمه «پرنده پر نژدن» به *never a bird flies* موجب می‌شود مخاطب به دلیل فقدان اطلاعات زمینه‌ای، درک کاملی از متن نداشته باشد.

تمایز داخلی: برایین اساس، مترجم در جریان ترجمه از واژگانی بهره می‌برد که به‌عنوان ترجمه استاندارد شناخته نشده و کاربردشان برای گویشوران زبان مقصد عمومیت ندارند. به‌طور مثال، اگر مترجمی در ترجمه «helicopter» به‌جای واژه رایج «بالگرد» که همه فارسی‌زبانان آن را می‌شناسند، از واژه «چرخ بال» استفاده کند، خواننده فارسی‌زبان ممکن است در درک آن دچار تردید شود. زیرا، به‌دلیل عدم استفاده مکرر این واژه توسط رسانه‌ها، نویسندگان و جامعه، در بافت زبانی مخاطب مقصد نهادینه نشده‌اند.

توضیح صریح: در این روش، توضیحاتی که مربوط به بینامتنیت بوده و در داخل متن ترجمه گنجانده نمی‌شود، در قالب اطلاعات اضافی به پاورقی، یادداشت، مقدمه مترجم و غیره انتقال می‌یابد (احمدگلی و منبری، ۱۳۹۰). با انتقال این توضیحات به حاشیه، ترجمه روان‌تر می‌شود و در عین حال مخاطب نسبت به وجود ارجاعات بینامتنی آگاهی پیدا می‌کند.

تقلیل به معنی: در این راهبرد، با تمرکز بر انتقال معنا و در الویت قراردادن نقش اطلاع‌رسانی، از انتقال واژه‌های تداعی‌گر بینامتنیت صرف‌نظر می‌شود (احمدگلی و منبری، ۱۳۹۰). به‌عبارت‌دیگر، تنها معنا و مفهوم عناصر بینامتنی منتقل می‌شود و نه ساختار آن‌ها. مانند ترجمه عبارت «باب دندان» به «something suitable to offer him» که تمرکز آن تنها بر انتقال معنی مورد نظر بوده است نه جنبه کنایی آن.

جایگزینی: براساس این روش، «انگاره‌ای که برای هر دو فرهنگ آشناست، در دو زبان با تصاویری متفاوت ارائه می‌شود» (احمدگلی و منبری، ۱۳۹۰:۱۶). از این روی، «با معادل‌یابی تقریبی میان یک مضمون در زبان مبدأ و مضمونی مشابه یا نزدیک به آن در زبان مقصد، می‌توان تأثیری مشابه در ذهن خوانندگان ایجاد کرد» (میرزایی و شیخی قلات، ۱۳۹۲:۵۴). مانند ضرب‌المثل «مثل سیبی که از وسط نصف شده است» که با مفهوم «نخود فرنگی» برای انگلیسی‌زبانان به صورت «like two peas in a pod» تصویرسازی می‌شود.

ابراز غیرقابل ترجمه بودن تلمیح: در این حالت، مترجم صراحتاً عدم توانایی خود در ترجمه برخی از عناصر بینامتنی را بیان می‌کند. این موضوع می‌تواند در مقدمه یا در یادداشت مترجم ذکر شود.

حذف: مترجم به‌طور کامل از انتقال مفهوم بینامتنی چشم‌پوشی می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، نه‌تنها به لفظ بینامتنی بلکه به مفهوم آن نیز اشاره‌ای ندارد (میرزایی و شیخی قلات، ۱۳۹۲). نتیجه حذف واژه‌های تداعی‌گر بینامتنیت عدم توفیق در انتقال مفهوم بینامتنی در زبان مقصد است (همان).

بازآفرینی: بازآفرینی به معنای خلق عبارتی جدید در زبان مقصد است که به مضامین بینامتنی یا دیگر جلوه‌های ویژه‌ای که توسط آن ایجاد شده، اشاره می‌کند (وفا مولای و مروا^۱، ۲۰۲۲). این روش، به مترجم امکان خلاقیت بیشتری داده و او را از قیدوبندهای متن مبدأ رها می‌کند (همان). به‌عنوان مثال، ترجمه جمله «He met his Waterloo at the conference» که در آن کلمه «Waterloo» تلمیحی است برای شکست نهایی ناپلئون به «آن کنفرانس برای او حکم تیر خلاص داشت» را می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای برای راهبرد بازآفرینی در نظر گرفت.

رها کردن متن بدون ترجمه: در این روش، واژه‌های متن مبدأ عیناً به متن مقصد انتقال پیدا می‌کنند (میرزایی و شیخی قلات، ۱۳۹۲). بدین معنا که، واژه فارسی در ترجمه انگلیسی به همان شکل فارسی باقی مانده یا صرفاً با حروف انگلیسی منتقل می‌شود. به‌طور مثال، عبارت «بسم‌الله» با حروف انگلیسی به‌صورت «besmellah» برگردان خواهد شد.

^۱Wafa Moulay & Maroua

ترکیب راهبردها: براساس این روش، مترجمان به منظور ترجمه ارجاعات بینامتنی و عبارات کلیدی، از ترکیبی از چند راهبرد بهره می‌برند.

بومی‌سازی و بیگانه‌سازی

با توجه به ارتباط فرهنگ و ترجمه، همواره میان چگونگی تعامل مترجم با تفاوت‌های فرهنگی اختلاف نظر بوده است. در این رابطه، ونوتی (۱۹۹۵) به منظور توصیف جایگاه و عملکرد مترجم، اصطلاح نامرئی بودن مترجم را مطرح کرد و با معرفی دو مفهوم بومی‌سازی و بیگانه‌سازی به‌عنوان رویکردهای ممکن در مواجهه با جنبه‌های خاص فرهنگ در ترجمه، به بحث و بررسی در رابطه با میزان مطابقت ترجمه با فرهنگ مبدأ پرداخت. در رویکرد بومی‌سازی، هدف اصلی مترجم، ارائه ترجمه‌ای روان و قابل فهم برای خواننده زبان مقصد است. در این رویکرد، هرگونه ارجاع، اصطلاح یا ساختار فرهنگی که ممکن است برای خواننده زبان مقصد ناآشنا باشد، کاملاً حذف یا جایگزین می‌شود. حاصل این رویکرد، تولید متنی روان و منسجم است که ردپای مترجم در آن محو شده است؛ گویی که متن اصالتاً به زبان مقصد نگاشته شده است.

در نقطه مقابل، رویکرد بیگانه‌سازی قرار دارد که بر حفظ و نمایش صریح تفاوت‌های فرهنگی متن مبدأ تأکید دارد. این رویکرد، عمده‌بخشی از «بیگانگی» متن اصلی را حفظ می‌کند تا خواننده را به چالش کشیده و او را از حضور فرهنگ مبدأ و همچنین حضور مترجم در این فرایند آگاه سازد. شایان ذکر است که خود ونوتی طرفدار بیگانه‌سازی است و با این استدلال که مأموریت مترجم حفظ ارزش‌های فرهنگی زبان مبدأ و عدم دستکاری آن در زبان مقصد است، از آن حمایت می‌کند.

۴. یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، تعداد ۱۳۳ مورد بینامتنیت براساس نظریه ژنت (۱۹۹۷) از *رمان بوف کور* استخراج گردید. سپس، ترجمه‌های متناظر ارائه‌شده در نسخه انگلیسی اثر، به‌منظور شناسایی راهبردهای ترجمه و در نتیجه تعیین رویکرد مترجم در خصوص بومی‌سازی یا بیگانه‌سازی عناصر بینامتنی، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. در ادامه، نمونه‌هایی از روابط بینامتنی موجود در *بوف کور* و راهبردهایی که مترجم در فرایند ترجمه آن‌ها به کار گرفته است، مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

جدول ۱. بینامتنیت صریح و اعلام‌شده

شماره	جمله مبدأ	ترجمه	نوع بینامتنیت	راهبرد ترجمه
۱	بعد دسته جمعی زدند زیر آواز و خواندند: «بیا بریم تا می خوریم، شراب ملک ری خوریم، حالا نخوریم کی خوریم؟»	Then they began to sing in chorus, <u>Come, let us go and drink wine: Let us drink wine of the Kingdom of Rey. If we do not drink now, when should we drink?</u>	صریح (نقل ترانه)	تعبیر حداقل
۲	بعد صدای دور دست فروشندهای آمد که می‌خواند «صفرآیره شاتوت...»	Then came the far-off cry of a street vendor, ' <u>Mulberries for your bile!</u>	صریح (نقل ترانه)	تقلیل به معنی
۳	«آیا ثابت و محکم هستی؟»	<u>Are you real and solid?</u>	صریح	جایگزینی

در مثال شماره ۱، نقل بخشی از مصرع‌های یک تصنیف قدیمی به نام «شراب ملک ری» از علی‌اکبر شیدا، موجب شکل‌گیری رابطه بینامتنی صریح شده است. باتوجه به آنکه، هدایت به مرجع (شاعر) این ترانه اشاره‌ای نکرده و فقط آن را در گیومه قرار داده است؛ بنابراین بینامتنیت ایجادشده از نوع بدون ارجاع می‌باشد. راهبرد مورد استفاده در ترجمه این ترانه، تغییر حداقل می‌باشد؛ زیرا، مترجم ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و نزدیک به متن ترانه ارائه داده است که آهنگ و ظرافت معنایی آن را به مخاطبان متن مقصد انتقال نمی‌دهد. بنابراین، مترجم از رویکرد بیگانه‌سازی بهره برده است.

در مثال شماره ۲، نقل ترانه «صفرآبره شاتوت...» رابطه بینامتنی صریح در داستان ایجاد کرده است و از آنجایی که در داخل گیومه قرار گرفته و به مرجع آن اشاره نشده است، از نوع بدون ارجاع می‌باشد. راهبرد مورد استفاده در ترجمه این ترانه، تقلیل به معنی می‌باشد؛ چراکه تنها مفهوم آن منتقل شده است. بدین ترتیب، مترجم با به‌کارگیری راهبرد بومی‌سازی، مفهوم این عبارت را برای خوانندگان زبان مقصد تا حدودی روشن ساخته است.

در مثال شماره ۳، جمله «آیا ثابت و محکم هستی؟» به‌طور مستقیم از رمان *موج‌ها* نوشته ویرجینیا وولف ترجمه شده و به‌دلیل قرار گرفتن جمله در گیومه موجب شکل‌گیری رابطه بینامتنی صریح از نوع بدون ارجاع شده است. راهبرد مورد استفاده در ترجمه این عبارت، جایگزینی می‌باشد؛ زیرا، مترجم با اجتناب از ترجمه لفظ‌به‌لفظ، از جای‌گذاری کلمات معادل بهره برده تا این جمله را به زبان مقصد نزدیک‌تر کرده و آن را بومی‌سازی نماید.

جدول ۲. بینامتنیت ضمنی

شماره	جمله مبدأ	ترجمه	نوع بینامتنیت	راهبرد ترجمه
۴	به قول مردم، مثل سیبی که نصف کرده باشند.	In the common phrase, they were <u>like two halves of the one apple</u> .	تلمیح (ضرب- المثل)	تغییر حداقل
۵	مثلاً چند روز پیش به من گفت که دخترم - یعنی آن لکاته- به ساعت خوب <u>پیرهن</u> <u>قیامت</u> برای بچه می‌دوخته.	For example, she told me a few days ago that her daughter (meaning the bitch) had made <u>a set of clothes</u> for the baby.	تلمیح (فرهنگ عامه)	حذف
۶	<u>همین که پی می‌برند که زنده هستند</u> ، خودشان را بی‌محابا به در و دیوار می‌زنند.	<u>Until they realise that they are alive</u> ; then they fling themselves recklessly against door and walls.	ترجمه عینی جمله	تغییر حداقل

در مثال شماره ۴، «مثل سیبی که نصف کرده باشند» تلمیح به یکی از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی دارد که کاربرد آن در این مثال موجب شکل‌گیری روابط بینامتنی ضمنی شده است. برای ترجمه انگلیسی این مثال راهبرد «تغییر حداقل» به‌کاررفته؛ زیرا، واژه‌های متن مبدأ عیناً و کلمه‌به‌کلمه، به متن مقصد منتقل شده‌اند. براین‌اساس، در این نمونه مترجم به رویکرد بیگانه‌سازی تمایل داشته است. زیرا، از معادل جایگزین این عبارت در زبان انگلیسی، «like two peas in a pod» استفاده نکرده و تلاشی در جهت انتقال مفهوم آن به خواننده زبان مقصد انجام نداده است.

در مثال شماره ۵، عبارت «پیرهن قیامت» به یکی از باورهای فرهنگ عامه اشاره دارد. طبق این باور، لباسی از پارچه سفید با سوراخی در وسط آن برای نوزاد دوخته می‌شود که پس از شست‌وشوی نوزاد در زمان تولد به مدت هفت، ده یا چهل روز بر تن او می‌ماند تا بنا بر اعتقاد عامه، او را از آتش روز قیامت محافظت کند. بدین ترتیب، تلمیح به مفاهیم و فرهنگ عوام موجب ایجاد بینامتنیت ضمنی در این جمله شده است. راهبرد مورد استفاده در

ترجمه این عبارت، حذف می‌باشد؛ چراکه، هیچ اشاره‌ای به چنین لباسی نشده است. بنابراین، مترجم از رویکرد بومی‌سازی بهره برده؛ زیرا، هیچ کوششی جهت انتقال مفهوم آن به خواننده زبان مقصد انجام نداده است. در مثال شماره ۶ جمله «همین که پی می‌برند که زنده هستند» مستقیماً از *رمان دفترهای مالده لائوریس بریگه* اثر ریلکه ترجمه شده است. به دلیل آنکه ارتباط میان جمله به کاررفته در *بوف کور* و *دفترهای مالده* صرفاً به واسطه ترجمه جمله دریافت می‌شود و دقیقاً آشکار نیست، بنابراین این جمله دارای رابطه بینامتنی ضمنی می‌باشد. براین اساس، راهبرد مورد استفاده در ترجمه این جمله، تغییر حداقل است؛ زیرا، تغییر خاصی در ترجمه جمله صورت نگرفته و کلمه به کلمه برگردان شده است. لذا، رویکرد مترجم، بیگانه‌سازی بوده است.

لازم به ذکر است، در پژوهش حاضر نمونه‌ای برای بینامتنیت غیرصریح و پنهان شده یافت نشد.

یافته‌های به دست آمده از تحلیل عناصر بینامتنی

در خصوص نوع و فراوانی گونه‌های بینامتنی به کاررفته در *رمان بوف کور*، یافته‌های مقاله نشان می‌دهد انواع گونه‌های بینامتنی اثر نامبرده بر مبنای فراوانی رخداد به ترتیب عبارت‌اند از: بینامتنیت ضمنی، و بینامتنیت صریح و اعلام شده. یافته‌های پژوهش در این بخش را می‌توان در جدول زیر خلاصه نمود:

جدول ۴: انواع گونه‌های بینامتنی به کاررفته در *رمان بوف کور* طبق مدل ژنت

نوع بینامتنیت	تعداد	درصد
صریح و اعلام شده	۷	۵
ضمنی	۱۲۶	۹۵
تعداد کل	۱۳۳	۱۰۰

یافته‌های به دست آمده از تحلیل راهبردهای ترجمه

درباره نوع و فراوانی راهبردهای ترجمه مورد استفاده مترجم در برگردان عناصر بینامتنی *رمان بوف کور*، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، راهبردهای یادشده براساس فراوانی رخداد به ترتیب عبارت‌اند از: تغییر حداقل، جایگزینی، ترکیب راهکارها، تقلیل به معنی و حذف. جدول زیر نمایانگر یافته‌های پژوهش در این زمینه است:

جدول ۵: راهبردهای ترجمه به کاررفته در برگردان عناصر بینامتنی *رمان بوف کور*

نوع راهبرد	تعداد	درصد
تغییر حداقل	۵۷	۴۳
تقلیل به معنی	۱۷	۱۳
جایگزینی	۳۱	۲۳
حذف	۴	۳
ترکیب راهبردها	۲۴	۱۸

یافته‌های به دست آمده از تحلیل رویکرد مترجم در برگردان عناصر بینامتنی

در پاسخ به پرسش سوم پژوهش حاضر، درباره رویکرد مترجم در ترجمه عناصر بینامتنی *رمان بوف کور*، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، رویکرد بومی‌سازی براساس فراوانی وقوع نسبت به رویکرد بیگانه‌سازی بیشتر رخ داده است. لازم به ذکر است به منظور بررسی این بخش، براساس مدل ونوتی، تمامی راهبردهایی که در پی نزدیک کردن متن ترجمه شده به فرهنگ مقصد بودند، جزء راهبرد بومی‌سازی و تمامی راهبردهایی که در پی نزدیک کردن

متن ترجمه شده به فرهنگ مبدأ بودند، جزء راهبرد بیگانه سازی قرار گرفتند. همچنین، در مواردی که راهبرد ترجمه ترکیب راهکارها بود، هر یک از راهبردها به صورت جداگانه محاسبه شد. براین اساس، یافته‌های این قسمت را می‌توان در جدول زیر خلاصه نمود:

جدول ۶: رویکرد مترجم در برگردان عناصر بینامتنی رمان بوف کور

نوع رویکرد	تعداد	درصد
بومی‌سازی	۸۰	۵۱
بیگانه‌سازی	۷۷	۴۹

۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، براساس نظریه ژنت (۱۹۹۷)، به بررسی بینامتنیت در رمان بوف کور پرداخته و با استفاده از مدل لپی‌هالم (۱۹۹۷)، راهبردهای مورد استفاده مترجم جهت انتقال عناصر بینامتنی در ترجمه انگلیسی اثر را تحلیل کرده است. در نهایت، رویکرد کلی مترجم طبق نظریه ونوتی (بومی‌سازی یا بیگانه‌سازی) مورد ارزیابی قرار گرفته است. در پاسخ به پرسش اول این تحقیق، در خصوص نوع و فراوانی گونه‌های بینامتنی به‌کاررفته در رمان بوف کور، از مجموع ۱۳۳ گونه بینامتنی شناسایی شده در نسخه فارسی اثر، به ترتیب بینامتنیت ضمنی با ۹۵ درصد (۱۲۶ مورد) و بینامتنیت صریح و اعلام شده با ۵ درصد (۷ مورد) از بیشترین درصد و فراوانی برخوردار بوده‌اند. همچنین، در پاسخ به پرسش دوم پژوهش حاضر، درباره راهبردهای به‌کاررفته در ترجمه عناصر بینامتنی اثر مورد نظر، نتایج حاصله نشان می‌دهد راهبردهای یادشده براساس دامنه تکرار، به ترتیب عبارت‌اند از: تغییر حداقل (۴۳ درصد)، جایگزینی (۲۳ درصد)، ترکیب راهکارها (۱۸ درصد)، تقلیل به معنی (۱۳ درصد) و حذف (۳ درصد). در نهایت، در پاسخ به پرسش سوم تحقیق حاضر درباره رویکرد مترجم در ترجمه عناصر بینامتنی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، رویکرد بومی‌سازی با فراوانی (۵۱ درصد)، نسبت به رویکرد بیگانه‌سازی با فراوانی (۴۹ درصد)، بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است.

بر مبنای یافته‌های این پژوهش، تفاوت فرهنگی میان زبان‌های فارسی و انگلیسی از جمله عواملی است که بر انتخاب راهبردهای ترجمه توسط مترجم تأثیر می‌گذارد. براین اساس، در موارد بسیاری، به دلیل عدم آشنایی مترجم با فرهنگ زبان فارسی، عناصر بینامتنی به درستی تشخیص داده نشده‌اند. به عنوان نمونه، در مثال شماره ۵، مفهوم فرهنگی موجود در عبارت «پیرهن قیامت» در تقلیل آن به «a set of clothes» حذف شده است. مطمئناً این امر در جهت درک مخاطب انجام نگرفته، چراکه اگر این گونه بود، مترجم جمله جدیدی به منظور شفاف‌سازی این عبارت ارائه می‌کرد. همچنین، در مثال شماره ۴ نیز، احتمالاً به دلیل دانش ناکافی مترجم و عدم آشنایی وی با ضرب‌المثل‌های زبان فارسی، در تشخیص ارجاع بینامتنی موفق عمل نکرده و به همین دلیل در برگردان آن از ترجمه تحت‌اللفظی بهره برده است. از طرفی، در مواردی علی‌رغم شناسایی ارجاعات بینامتنی، عدم به‌کارگیری راهبرد مناسب، مخاطب را از درک زیبایی بینامتنی موجود محروم ساخته است. این امر ممکن است به دو دلیل صورت گرفته باشد: ۱- سهواً و به دلیل ضعف در دانش زبانی مترجم ۲- عمداً و ناشی از انتظار مترجم از مخاطبش برای درک این عناصر. به عنوان نمونه، در مثال شماره ۱ و ۲ مترجم در بازنمایی عناصر بینامتنی، انتقال آهنگ و جنبه زیبایی‌شناختی ترانه‌ها به زبان مقصد موفق عمل نکرده است. به گونه‌ای که، در مثال شماره ۱ به انتقال معنای سطحی متن رضایت داده و ظاهراً از مخاطبان انتظار داشته بدون نیاز به توضیح بیشتر به درک کامل برسند. در صورتی که، در مثال شماره ۲ علی‌رغم از دست رفتن آهنگ ترانه، با استفاده از راهبرد تقلیل به معنی تا حدودی سعی بر انتقال معنا داشته است. اگرچه، در مواردی مانند مثال شماره ۶ و ۳، بینامتنیت موجود توسط مترجم شناسایی شده و در نتیجه، با به‌کارگیری راهبردهای مناسب، مفاهیم موردنظر را برای خواننده قابل درک ساخته است.

بدین ترتیب، میزان تفاوت‌های فرهنگی میان دو زبان، میزان دانش پیش‌زمینه‌ای مترجم و انتظارات او از مخاطب خود، نقش بسزایی در انتخاب راهبردهای ترجمه ایفا می‌کنند. چراکه، زیاد بودن تفاوت‌های فرهنگی و باور مترجم بر بیگانه بودن مخاطبش با مفاهیم فرهنگی، منجر به ضرورت به‌کارگیری راهبردهای مناسب برای انتقال بینامتنیت می‌شود. در این رابطه، [کازیمیرچاک^{۴۱} \(۲۰۱۹\)](#) معتقد است ترجمه موفق متون تنها زمانی امکان‌پذیر است که مترجم وظیفه خود در هم‌تراز کردن تفاوت‌های موجود میان قدرت درک و آگاهی دریافت‌کنندگان اولیه و ثانویه را به‌درستی فهم کرده باشد. در این صورت، ممکن است ترجمه تقریباً همان تأثیری را بر مخاطبان زبان مقصد داشته باشد که خوانندگان زبان مبدأ دریافت کرده‌اند. اما اگر مترجم در تشخیص بینامتنیت دچار خطا شود و یا به اشتباه تصور کند مخاطبش درک واضحی از مفاهیم بینامتنی دارد، ممکن است ترجمه‌ای تحت‌اللفظی و نزدیک به متن اصلی ارائه داده و به لحاظ ساختاری به متن مبدأ وفادار بماند. در این صورت ممکن است، متن ترجمه‌شده نتواند درکی مشابه درک خواننده زبان مبدأ را برای خوانندگان زبان مقصد به ارمغان آورد.

یافته‌های این پژوهش مبین آن است که گرایش مترجم بیشتر به استفاده از رویکرد بومی‌سازی بوده و از راهبردهایی جهت برگردان موارد بینامتنیت بهره‌جسته که منجر به ایجاد تغییر در عناصر بینامتنی زبان مبدأ شده‌اند. اگرچه، در این مورد قطعیتی وجود ندارد؛ زیرا، تفاوت به‌کارگیری دو رویکرد تنها ۲ درصد می‌باشد. اما از آنجاکه *رمان بوف کور* مملو از عناصر متعلق به فرهنگ ایرانی است؛ لذا ممکن است فهم آن برای خوانندگان ناآشنا با فرهنگ ایرانی غامض و دشوار باشد. از طرفی، درک ارجاعات بینامتنی، نقش مهمی در افزایش میزان لذت خوانندگان ایفا می‌کند. بنابراین، استفاده بیشتر از بومی‌سازی و تلاش مترجم برای ایجاد تأثیر مشابه بر مخاطب انگلیسی زبان تا حد زیادی منطقی به نظر می‌رسد.

براین‌اساس، لازم است مترجمان در جهت گسترش دانش پیش‌زمینه‌ای خود کوشا باشند تا با شناختی دقیق‌تر از تاریخ اجتماعی و فرهنگی کشور خود و سایر کشورها، به فهمی عمیق از مسائل بینافرهنگی دست یابند. چراکه، «ترجمه صرفاً یک فرآیند زبانی نیست، بلکه فرآیندی است که بر روی معنا صورت می‌گیرد و برای دریافتن معنا، درک عمیق از فرهنگ نیز ضرورت دارد» ([ساسانی و همکاران، ۵۸۱:۱۴۰۲](#)). بدین روی، توجه به این مسائل در ترجمه، به‌ویژه ترجمه ادبی، به‌دلیل تفاوت آن با سایر انواع ترجمه، از اهمیت بالایی برخوردار بوده و نیازمند آن است که تمامی مقاصد نویسنده، اعم از افکار، احساسات و ابزارهای زبانی و هنری منتقل شود ([لی، ۲۰۲۲](#)). به عبارتی، تنها از این طریق است که مترجم قادر خواهد بود تا خواننده را به درک ارتباط بینامتنی بین فرهنگ زبان مبدأ و فرهنگ زبان مقصد برساند و با ایجاد ارتباط بینامتنی مشابه فرهنگ زبان مبدأ در فرهنگ زبان مقصد به‌طور کامل خوانایی و مقبولیت ترجمه را منعکس کند ([چن، ۲۰۰۹](#)) و همچنین، در مواجهه با چالش‌های ترجمه، راهبردهای مناسبی را برگزیند.

به‌طورکلی، علی‌رغم تمرکز پژوهش حاضر بر روی ادبیات داستانی و تفاوت آن با زمینه مورد بررسی تحقیقات پیشین، این پژوهش در مقایسه با تحقیقات قبلی نتایج نسبتاً مشابهی را ارائه می‌دهد. بدین معنا که، راهبردهای مورد استفاده در ترجمه ارجاعات بینامتنی، چه در شعر و چه در نثر، اصول و چالش‌های مشترکی داشته و دیدگاه مترجم نسبت به مخاطبان و دانش پیش‌زمینه‌ای وی درباره روابط بینامتنی یک اثر در انتخاب راهبردهای ترجمه تأثیر قابل توجهی دارند. همچنین، از بین راهبردهای به کار گرفته

^{۴۱}Kazmierczak

^{۴۲}Li

^{۴۳}Chen

شده در ترجمه عناصر بینامتنی در یافته‌های مرتبط با تحقیقات پیشین و پژوهش حاضر، راهبرد تغییر حداقل از بیشترین فراوانی برخوردار بوده است.

پژوهش حاضر به بررسی بینامتنیت در رمان بوف کور با استفاده از مدل ژنت (۱۹۹۷)، تعیین راهکارهای ترجمه در برگردان انگلیسی آن‌ها براساس مدل لپی‌هالم (۱۹۹۷) و تشخیص رویکرد کلی مترجم (بومی‌سازی و بیگانه‌سازی ونوتی) در برگردان‌ها محدود شده است. رمان مورد نظر این تحقیق، به‌واسطه برخورداری از طیف وسیعی از عناصر فرهنگ‌محور و تأثیرپذیری از آثار نویسندگان بزرگ، بستری مناسب جهت بررسی بینامتنیت برای نویسندگان این پژوهش ایجاد نمود. از آنجایی که، تحقیق پیش رو یکی از محدود تحقیقات انجام‌شده در خصوص ترجمه بینامتنیت در رمان می‌باشد، پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی ترجمه آثار بیشتری در زمینه ادبیات داستانی و رمان مورد تحلیل قرار گیرد. همچنین، با توجه به اهمیت بینامتنیت در ترجمه، بررسی انواع دیگر ترجمه نظیر دوبله یا زیرنویس فیلم و انیمیشن توصیه می‌شود.

مشارکت نویسندگان

نویسنده مسئول، طراحی پژوهش، گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل و تفسیر نتایج، اصلاح و بازبینی نهایی را به عهده داشته است.

اعلامیه هوش مصنوعی مولد و فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در فرایند نگارش

نویسنده در فرایند نگارش و آماده‌سازی این مقاله از هیچ‌گونه ابزار هوش مصنوعی یا فناوری‌های مبتنی بر هوش مصنوعی استفاده نکرده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسنده این مقاله تعارض منافع ندارد.

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

این پژوهش با رعایت اصول اخلاق در پژوهش انجام شده است و به دلیل ماهیت پژوهش، نیاز به دریافت کد اخلاق نبوده است.

بیانیه دسترسی به داده‌ها

داده‌هایی پژوهش حاضر از طریق درخواست از نویسنده قابل دسترسی است.

سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

منابع

- Ahmadgoli, K., & Menbari, S. (2012). T. S. Eliot's Poetry in Persian: A Case of Translating Allusions. *Research in Contemporary World Literature*, 16(63), 5-23. (In Persian)
- Alboughobaish, A. (2016). The Relationship Between Intertextuality and Postmodern Ontology in The Short Story KMirza YunosL by Sirous Shamisa. *Literary Criticism*. 9(34), 33-62. <https://dor.org/20.1001.1.20080360.1395.9.34.1.9>. (In Persian)
- Azar, I. (2016). An analysis of Genette's intertextual theories. *Literary criticism and stylistics research*, 7(24), 11-31. <https://www.magiran.com/p1643693>. (In Persian)
- Chen, Z. (2009). Application of intertextuality theory in translation practice. *Journal of huanggang normal university*, 29(4), 135-138.

- De Beaugrande, R. & W. Dressler. (1981). *Introduction to text linguistics*. London & New York: Longman. <https://doi.org/10.4324/9781315835839>
- Genette, G. (1997). *Palimpsests: Literature in the second degree* (Ch. Newman, & C. Doubinsky, Trans.). University of Nebraska Press. (Original work published 1982)
- Hesampour, S., Asadi, S., & Pirsoufi Amlashi, Z. (2016). Intertextuality in Ahmad Reza Ahmadi's *It Was Raining in the Big Garden*. *Iranian Children's Literature Studies*, 7(1), 25-48. <https://doi.org/10.22099/jcls.2016.3097>. (In Persian)
- Jafari, F., & Allahdadi Dastjerdi, Z. (2021). The Analysis of the Basics of Gerard Genette's Intertextuality in Farhad Hassanzadeh's *The Bambak Ship's Scorpions for Young Adults*. *Literary Text Research*, 25(88), 142-168. <https://doi.org/10.22054/LTR.2020.47834.2854>. (In Persian)
- Jalali, M. (2015). Applied Principles of Criticism in Comparative Children's Literature. *New Literary Studies*, 48(2), 141-166. <https://doi.org/10.22067/jls.v48i2.40408>. (In Persian)
- Kalıpcı, M. (2018). Subtitling allusions from English to Turkish: Study of the Simpsons movie. *Journal of Language and Linguistic Studies*, 14(1), 342-359.
- Karami, M., Ghobadi, H., Nikoubakht, N., & Gholamhossein Zadeh, Gh. (2013). Intertextual analysis of the Daneshvar, s Mar o mard story. *Fiction Studies*. 1(3), 37- 48. (In Persian)
- Kaźmierczak, M. (2019). Intertextuality as translation problem: Explicitness, recognisability and the case of "literatures of smaller nations". *Russian Journal of Linguistics*, 23(2), 362-382. <https://doi.org/10.22363/2312-9182-2019-23-2-362-382>
- Kristeva, J. (1969). *Semeiotiké: Recherches pour une sémanalyse*. Paris: Seuil.
- Leppihalme, R. (1997). *Culture bumps: An emperical approach to the translation of allusions*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Li, T. (2022). [Retracted] Intertextuality between French Literature Creation and Literature Translation Based on Feature Extraction and Gram Matrix. *Wireless Communications and Mobile Computing*, 2022(1), 1-10. <https://doi.org/10.1155/2022/9375840>
- Long, Y., & Yu, G. (2020). Intertextuality theory and translation. *Theory and Practice in Language Studies*, 10(9), 1106-1110. <http://dx.doi.org/10.17507/tp1s.1009.14>
- Matoušková, R. (2022). Intertextuality in contemporary fantastic fiction. *Radomskie Studia Filologiczne. Radom Philological Studies*, 1(11), 101-111. <https://doi.org/10.24136/rsf.2022.007>
- Mirzaei, F., & Sheikhighalat, S. (2013). Transferring the Meaning and Intertextuality Based on Leppihalme's Model: A case study of Ahmad Mattar's poems. *Translation Researches in the Arabic Language And Literature*, 3(7), 41-58. <https://dor.org/20.1001.1.22519017.1392.37.2.1>. (In Persian)

- Namvar Motlagh, B. (2008). Transtextual Study. *Human Sciences*, (56 (special Issue on linguistics)), 127-142. <https://sid.ir/paper/66764/en>. (In Persian)
- Namvar Motlagh, B. (2016). *Beynamatniyat, Az Sakhtargara'i ta Post-Modernism*. Tehran: Sokhan. (In Persian)
- Niknasab, L., & Partovirad, T. (2021). A study of Persian-English narrative poems translation: Focus on key-phrase allusions. *Journal of Foreign Language Teaching and Translation Studies*, 6(2), 23-56. <https://doi.org/10.22034/efl.2021.274404.1084>
- Rezvantalab, Z., & kordeyazdi, S. (2023). Analysis of the translation of the novel "Someone I loved" written by Anna Gavalda and translated by Elham Darchinian according to Vinay and Darbelnet theories. *Journal of Foreign Language Research*, 13(1), 145-156. <http://doi.org/10.22059/jflr.2022.344942.964>. (In Persian)
- Salehi, A. (2013). "Translation of Allusions in Subtitling from English into Persian." *International Journal of Comparative Literature & Translation Studies* 1(1): 18–31. <http://dx.doi.org/10.7575/aiac.ijclts.v.1n.1p.17>
- Sassani, F., Farjah, M., Navabzadeh shafiei, S., & Nafar, R. (2023). Relevance of Translatability of Cultural Elements in Literary Translation based on Newmark's Theory. *Journal of Foreign Language Research*, 13(4), 579-594. <http://doi.org/10.22059/jflr.2023.362698.1055>. (In Persian)
- Venuti, L. (2009). Translation, intertextuality, interpretation. *Romance Studies*, 27(3), 157-173. <https://doi.org/10.1179/174581509X455169>
- Wafa Moulay, H., & Maroua, A. (2022). *Intertextual allusions and evaluation of their translation: Case study the catcher in the rye by JD salinger* [Published master's thesis]. Kasdi Merbah Ouargla University.
- Yusef Fam, A., & Taheri, R. (2018). Persian Tales: Derivation of "One Thousand and One Days" tales by Gérard Genette's Intertextualite approach. *Culture and Folk Literature*. 6(22), 179-203. <http://dor.org/20.1001.1.23454466.1397.6.22.8.1>. (In Persian)
- Zamani, F., & Sahebi, M. (2020). The Intertextual Semiotics of Welcome to Hades Novel. *Journal of Research in Narrative Literature*, 9(3), 37-54. <https://doi.org/10.22126/RP.2020.5345.1231>. (In Persian)
- Zhou, Y. (2023). The influence of intertextuality on literary translation from the perspective of social psychology—with the reference to gone with the wind. *Lecture Notes on Language and Literature*, 6(3), 37-43. <https://doi.org/10.23977/langl.2023.060307>
- Zhu, Ch. (2004). Intertextuality and translation studies. *Journal of PLA foreign languages university*, 27(4), 71-74.